

## کندوکاوی در انگاره‌های فرهنگی قوم کرد جهت طراحی فضاهای شهری مطلوب

تاریخ دریافت: ۹۰/۷/۴

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۱۱/۱۵

محمد رضا پورجعفر\* - مجتبی رفیعیان\*\*  
سید علیرضا ارباب زادگان هاشمی\*\*\*

### چکیده

فرهنگ به عنوان زیربنای ساخت جامعه و طراحی شهری به‌عنوان علم و هنر تولید فضا برای انسان‌ها همواره در کانون توجه علوم مختلف بوده‌اند. کالبد فضای شهری به علاوه معنا و عملکرد (جنبه‌های غیرکالبدی مرتبط با انسان) و تجربه فضا توسط انسان، آن را تبدیل به مکانی پویا جهت استفاده انسان خواهد کرد. توجه به انسان در گرو شناخت ویژگی‌های او و شناخت ویژگی‌های انسان در گرو شناخت فرهنگی جامعه‌ای است که او در آن شکل گرفته‌است. در این میان توجه طراحان به تفاوت‌ها و سلیقه‌های انسان‌ها در فرهنگ‌های مختلف (خرده فرهنگ‌ها) از آن جهت در طراحی شهری مهم است که سنگ بنای ساخت جامعه انسانی و محیطی فرهنگی است. از آنجایی که شناخت انسان به رفتارهای او در اجتماعی که در آن رشد کرده بستگی دارد، لذا فرهنگ به عنوان تبیین‌کننده رفتار انسان در هر جامعه‌ای، نقش اساسی در این زمینه ایفا می‌نماید. در این میان آنچه اهمیت دارد، نحوه استفاده از انگاره‌های فرهنگی در طراحی فضاهای شهری است. بنابراین هنر طراح شهر تبدیل این انگاره‌ها و الگوهای فرهنگی به اصول قابل استفاده در طراحی فضاهای شهری است. از آنجایی که انگاره‌ها و الگوهای کالبدی نقش مهمی را در شکل‌دهی به فضاهای شهری دارند. این مقاله در تلاش است با مرور توصیفی - تحلیلی قوم کرد به عنوان یکی از اقوام ایرانی دارای پیشینه فرهنگی غنی، انگاره‌های فرهنگی اثرگذار بر بعد کالبدی را تبیین نموده و سپس به کندوکاوی اصول نظم‌دهنده به طراحی فضاهای شهری در این انگاره‌ها بپردازد. بر این اساس نقوش و ترکیبات شکلی دو بعدی، ریتم و تناسب و رنگ، انگاره‌های فرهنگی اثرگذار بر بعد کالبدی تعیین شده و در نهایت با تلفیق این انگاره‌ها اصول نظم‌دهنده به طراحی فضای شهری مطلوب برای قوم کرد ارائه شده‌است.

واژگان کلیدی: فرهنگ، انگاره فرهنگی، طراحی شهری، فضای شهری، قوم کرد.

\* استاد گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.  
\*\* دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.  
\*\*\* دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول).  
Email: a.arbabzadehgan@modares.ac.ir

## مقدمه

فضای شهری مانند هر پدیده دیگری دارای سه مؤلفه فرم، عملکرد و معنا است. فرم: آن بخش از پدیده که قابل ادراک توسط حواس می‌باشد (تظاهر حسی و واضح و بیرونی یک پدیده). عملکرد: خاصیتی از پدیده که جوابگوی بخشی از نیازهاست (فایده یک پدیده). معنا: خاصیتی از محیط که می‌تواند فرد را به جنبه‌های دیگری از زندگی مرتبط سازد (معانی انضمامی فضا، خاطرات و غیره). البته معنی‌ها آموخته می‌شوند. تجربه، دانش، ارزش‌ها و هنجارهای فردی و اجتماعی در آن نقش بازی می‌کنند که جمع آن را فرهنگ می‌نامیم (Pakzad, 2006, pp. 98-100). بازنشاسی سه مؤلفه فوق در طی فرآیندی مشخص به خلق فضایی بهتر کمک خواهد کرد و وظیفه طراحی شهری ایجاد هماهنگی بین مؤلفه‌های سه‌گانه فضای شهری است. هر قدر این هماهنگی بیشتر باشد امکان موفقیت یک فضا بیشتر خواهد بود.

انسان از طریق رفتارهای خود در فضاهای شهری عمل می‌کند. رفتارها ناشی از محیط است و به شدت تابع فرهنگ و اجتماع است. انسان در راستای ارزش‌های اجتماع و فرهنگ در فضاهای شهری اقدام می‌کند (Pakzad, 2006, p. 51). چنانچه فضای شهری با ارزش‌ها و باورهای جامعه یا به نوعی فرهنگ همخوانی نداشته باشد، انسان از رفتارهای فضایی در فضای شهری سربازده و فضای شهر خالی از انسان، یعنی فضای خالی از فعالیت و معنا و تنها فضایی فرمیک است. از این رو طراحی چون با شناخت فضاهای شهری سروکار دارد، رابطه‌ای تنگاتنگ با فرهنگ به عنوان نظام ارزشی حاکم بر جامعه ایفا می‌کند تا بتواند فرم، عملکرد و معنا را در بستر فضای شهری در کنار یکدیگر شکل دهد. در واقع طراحی شهری تبدیل ذهنیت‌های یک جامعه به عینیت است.

هر جامعه‌ای دارای اهداف و ایده‌آلهایی است. فرهنگ آن جامعه وظیفه نشان دادن ایده‌آل‌های ذهنی را از طریق نمود اشکال عینی برعهده دارد. در فرآیند استحاله معماری نقش اساسی بازی می‌کند "معماری وسیله سنجش واقعی فرهنگ یک ملت بوده‌است" (Grutter, 1987, p. 53).

طراحی شهری ملموس‌ترین و محسوس‌ترین فعالیت است که می‌تواند ارزش‌ها، خواسته‌ها و هدف‌های یک جامعه را تحقق بخشیده با تبلور آن‌ها فکر را به عمل و ذهنیات را به واقعیات نزدیک نماید. این امر اهمیت طراحی شهری و نقشی را که این فعالیت می‌تواند در جامعه داشته باشد، روشن می‌سازد. آنچه که به‌خصوص در این چارچوب حساسیت تعیین کننده‌ای می‌یابد معیارهای فرهنگی و ارزشی به کار گرفته شده در طراحی شهری است که پایه و اساس هر طرح کالبدی قرار می‌گیرد (Bahreyni, 1998, pp. 10-13). شهر و فضای شهری فضایی فرهنگی-کالبدی است که براساس نیازها و فعالیت‌ها و رفتارهای ساکنان آن شکل گرفته‌اند. فضاهای شهری بستری برای رفتارهای ساکنان آن است (Pakzad, 2006, p. 76). همانطور که رفتارها و فعالیت‌ها بر فضای شهری اثر می‌گذارند، فضای شهری نیز بر این فعالیت‌ها اثرگذار است. پس طراحی شهری فرآیندی است خلاق که تجلی و تبلور فرهنگی ارزش‌های جامعه است. حل نکته مهم این است که در هنگام طراحی به خصوصیات فرهنگی در جامعه توجه شود.

طراحی شهری علمی است که به سامان‌دهی و ارتقاء کیفیت محیطی عرصه‌های همگانی (شهری) می‌پردازد. از این رو در رابطه بین طراحی فضای شهری و فرهنگ آنچه مورد توجه است، انگاره‌های فرهنگی اثرگذار بر طراحی شهری است. مشکل اساسی فضاهای عمومی در شهرهای معاصر در ایران عدم توجه به فرهنگ غنی ایرانی و در نهایت بی‌هویتی این فضاها شده‌است. از آنجا که ریشه هویت در فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌ها نهفته است، در نظر گرفتن این نکته می‌تواند تا حدودی باعث شکل‌گیری فضاهایی با هویت در شهرهای معاصر ایران شود. از این رو شهرسازان و طراحان شهری باید وجود چنین تنوع فرهنگی را پذیرفته و از این پتانسیل در جهت ارتقاء کیفیت فضاهای شهری استفاده نمایند. لذا استفاده از مفاهیم مورد توجه در این خرده فرهنگ‌ها و به کارگیری آن‌ها در طراحی شهری هر شهر و دیاری (آذربایجان، لرستان، کردستان و غیره) می‌تواند باعث ارتقاء سیمای فرهنگی در کنار سیمای ظاهری شهرهای مربوط به هر خرده فرهنگ و همچنین ارتقاء حس تعلق شود.

کیفیت و فرآیند طراحی شهری از یک سو موضوعی ثابت و غیرقابل تغییر و از سوی دیگر موضعی نسبی و گوناگون است. به عبارت دیگر طراحی شهری از یک بعد دارای قوانین و قواعدی است که مستقل از محل و موضع مداخله قابل بررسی و تفحص‌اند و در بعدی دیگر دارای عواملی است که نسبت به موضع مداخله حساس و منعطف است. طراحی شهری را نمی‌توان مانند آنچه مدرنیست‌ها به آن اعتقاد داشتند، یک رویه غیر قابل تغییر جهانی دانست که به سان قالبی بر هر جایی از عالم قابل فروآوردن و ارتقاء کیفیات زیست باشد، بلکه این حوزه از دانش و هنر بشری به نحوی است که باید متناسب با افراد انسانی و در ارتباط با آن‌ها و تفاوت‌هایشان عمل نماید.

انسان‌ها هم به لحاظ روانشناختی و هم به لحاظ جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی متفاوتند. وظیفه طراح شهری در نظر گرفتن توأم این جنبه‌ها در بستری اجتماعی است و طرح، باید حاصل جمعی از اصول ثابت طراحی شهری و اقتضائات بستر انسانی مورد مداخله باشد. در این میان باید توجه داشت تفاوت‌های روانشناختی انسان‌ها از آن جهت در طراحی

شهری مهم است که سنگ بنای ساخت جامعه انسانی است. فرهنگ، به عنوان نحوه پاسخ‌گویی جامعه به نیازهای خود و وسیله‌ای برای تولید کیفیت زندگی بی شک، یکی از مهم‌ترین عواملی است که طراح موفق باید مدنظر قرار دهد. حذف آن از نگاه طراح، طرحی بی روح را به جامعه انسانی تحمیل می‌نماید.

فرهنگ عبارت است از؛ بازتاب سطح معرفتی یک جامعه در فعالیت‌های گوناگون و روزانه انسان‌ها، فرهنگ نه تنها در فضای معنوی زندگی انسان‌ها، بلکه در زندگی مادی آن‌ها نیز نمود دارد و نمی‌توان زندگی مادی و معنوی را از هم جدا کرد، لذا فضاهای مادی زندگی انسانی بازتابی از فرهنگ آن جامعه است.

فرهنگ دارای جوهری بسیط و روحی واحد است که تعیین‌کننده کالبد اجتماعی انسان را سبب می‌شود. این بدان معناست که بسیاری از روابط و آثار اجتماعی از فرهنگ یک جامعه اثر می‌پذیرند و بدین ترتیب می‌توان ردپای فرهنگ آن جامعه را در آن‌ها جست. بر اساس چنین مقدمه‌ای نتیجه بدیهی خواهد بود که هر یک از تجلیات اجتماعی و تعینات فرهنگی، دارای انگاره‌ها و مؤلفه‌هایی هستند که می‌توان آن‌ها را تبلور فرهنگ به عنوان امری مجرد دانست. به عنوان مثال در یک جشن عروسی نقاطی وجود دارد که به‌طور واضح فرهنگ جامعه آن را شکل داده است: مثلاً نوع موسیقی و حرکات موزون اقوام در عروسی می‌تواند نشان از فرهنگ جامعه ایران در مورد توجهات آن قوم به انواع خاص از فرم‌ها باشد.

یکی از مسائل پیشرو، توسعه فرهنگ به مصنوعات جدید و نوظهوری است که انسان در دوران زندگی معاصر خود ایجاد می‌کند، از آنجایی که فرهنگ یک جامعه در طول تاریخ شکل گرفته است و نباید جریان مثبت آن با ابداعات انسان گسسته شود. یکی از دغدغه‌های طراحان شهری که حرفه آن‌ها در مدار ایجاد محیط انسان‌ساخت است، ایجاد پلی میان فرهنگ زاینده تاریخ با مصنوع زمان حال است. انتقال و توسعه روح فرهنگ به تولیدات حاصل دسترنج طراحان شهری از جمله مهم‌ترین مسئولیت‌های این گروه است، در این راستا طراحانی که تداوم فرهنگ یک قوم را در راستای طراحی بومی مهم می‌دانند باید بتوانند انگاره‌های فرهنگی تولیدات سابق فرهنگی را بشناسند و براساس آن‌ها به روح فرهنگی حاکم بر روابط اجتماعی و تولیدات فرهنگی پی ببرند، پس از شناخت و درک شهودی نسبت به فرهنگ یک جامعه می‌توان آن را در کالبد شهری دمید و شهر را به عنوان مصنوع بشری در راستای فرهنگ سابق قرار داد.

فرهنگ ایرانی با توجه به پیشینه تاریخی در سال‌های اخیر مورد تهاجم فرهنگ‌های غربی قرار گرفته است و متأسفانه با پیشینه درخشان بازنمودهای بسیار ناچیزی از فرهنگ غنی ایرانی در عرصه‌های مختلف به چشم می‌خورد، در قرون گذشته با وجود تغییرات سیاسی و حکومتی، فرهنگ ایرانی نه تنها از بین نمی‌رفت، بلکه بر داشته‌های فرهنگی ایران افزوده می‌شد. نمونه‌های قابل توجهی از معماری و شهرسازی و طراحی شهری ایران قابل رؤیت است که حکایت از تأثیرات فرهنگی در طراحی دارند، این عدم توجه به فرهنگ ایرانی در طراحی در تمامی شهرهای ایران قابل مشاهده است، ساختمان‌ها، فضاهای شهری و غیره، به شیوه غیرایرانی طراحی شده است و به طبع مورد پذیرش عمومی قرار نگرفته‌اند، از آنجایی که فرهنگ هر کشور نمایانگر هویت آن کشور است و این فرهنگ ریشه در اقوام ساکن در آن کشور دارد، لذا توجه به ملاحظات فرهنگی اقوام مختلف می‌تواند طراح شهر را در ارائه طرحی خلاقانه، منطقی و موفق یاری رساند، از این رو در ادامه سعی شده است با مطالعه قوم کرد، چارچوب طراحی شهری مبتنی بر اصول و قواعد برگرفته از این خرده فرهنگ ارائه شود.

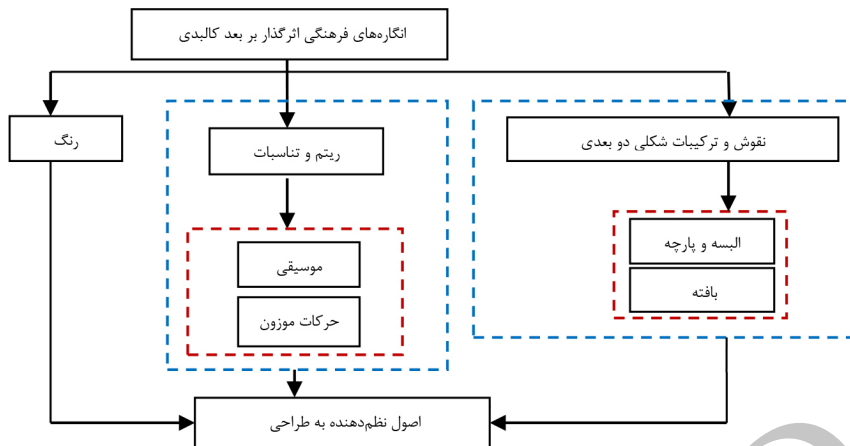
## ۱. روش

در این مقاله ابتدا انگاره‌های فرهنگی تأثیرگذار بر بعد کالبدی شناسایی شده و پس از آن، با تحلیل این انگاره‌ها اصول نظم‌دهنده به طراحی فضاهای شهری مطلوب برای قوم کرد استخراج شده و در طراحی به‌کار گرفته شده‌است. انگاره رنگ به دلیل اینکه از این تقسیم‌بندی جدا بوده و قابلیت تبدیل به الگوهای دو بعدی را ندارد ولی از انگاره‌های فرهنگی اثرگذار در فضای شهری است که به‌طور مجزا مورد بررسی قرار گرفته و در ادامه در طراحی از آن استفاده شده‌است.

## ۲. انگاره‌های فرهنگی تأثیرگذار بر بعد کالبدی طراحی شهری (تجربید فرمی)

در راستای یافتن سرنخ‌هایی برای طراحی شهری متناسب با فرهنگ یک قوم می‌توان از ابعاد متعددی فرهنگ و منش یک قوم را بررسی نمود. همانطور که طراحی شهری دارای سه بعد کالبدی، عملکردی و معنایی است، می‌توان یک قوم را از این سه بعد مورد مطالعه قرار داد و طراحی شهری هم‌افق با فرهنگ یک قوم خاص را به‌طور جامع تعریف نمود. دو مؤلفه معنایی و عملکردی در پس از مؤلفه کالبدی قرار دارد. این بدین معنا است که هنگامی که مؤلفه کالبدی یک فضا با توجه به انگاره‌های فرهنگی و دارای پس زمینه باشد، ناخودآگاه مؤلفه معنایی را در خود دخیل دارد. حال هنگامی که روح عملکرد در آن دمیده شود، محصول طراحی سه مؤلفه را دارا خواهد بود. پس دغدغه اولیه طراح شهری انگاره‌های فرهنگی تأثیرگذار بر بعد کالبدی است. لذا در این مقاله انگاره‌های فرهنگی تأثیرگذار بر بعد کالبدی مورد بررسی قرار گرفته است. انگاره‌های فرهنگی تأثیرگذار بر بعد کالبدی قابل استخراج از اقوام مختلف جهت طراحی فضای شهری در شکل زیر تقسیم‌بندی شده است.

شکل ۱: انگاره‌های فرهنگی تأثیرگذار بر بعد کالبدی قابل استخراج از اقوام مختلف



## ۲-۱- تجرید اصول نظم‌دهنده به طراحی از انگاره نقوش و ترکیبات شکلی دو بعدی

یکی از انگاره‌های فرهنگی که می‌تواند طراح را در طراحی بومی کمک نماید، نقوش خاصی است که فرهنگ‌های مختلف از آن‌ها بیشتر استفاده می‌نمایند. نقوش از جمله دستاوردها و فرهنگی هستند که یا در طول تاریخ ایجاد شده‌اند، یا در یک فرآیند نمادسازی تولید شده و یا براساس خصوصیات طبیعی و تاریخی اقوام شکل یافته‌اند و تبلوری از روحيات قوم هستند. به هر حال نقوش طی هر فرآیندی که تولید شده باشند، می‌توانند به‌طور مستقیم و یا با طی پروسه تجرید و تعمیم در طراحی شهری و بالاخص نماهای شهری به کار روند. زیرا دست‌کم قوم موردنظر از لحاظ روانی با نقش مزبور آشنا بوده و از دیدن آن در فضاهای شهری لذت می‌برد و این باعث برانگیخته شدن احساس تعلق او خواهد شد. البسه و بافته‌های قوم کرد که در مورد اقوام ایران می‌تواند وجه مشخصه اقوام از هم باشد، موارد مورد بررسی در این مقاله هستند. نقوش موجود بر این دو تولید فرهنگی بالاخص لباس به دلیل آن که عصاره تاریخ هستند، می‌تواند بسیار ما را با مغز فرهنگی یک جامعه درگیر نماید.

### ۲-۱-۱- البسه قوم کرد

کردها با ترکیب خاص لباس‌هایشان به راحتی قابل تشخیص هستند. هرچند بین نواحی مختلف و طبقات اجتماعی مختلف، تنوع قابل توجهی وجود دارد. جمعیت کردهای ایران در چهار منطقه اصلی متمرکز شده است؛ آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه و خراسان (Ranjdst, 2008, p. 187). که در این مقاله تنها لباس مردمان کرد مستقر در استان کردستان مورد بررسی قرار گرفته است. مردمی که از این پوشاک استفاده می‌کنند، در منطقه کردستان (که مرکز آن سنندج است) سکونت دارند (Ranjdst, 2008, p. 200).

#### - پوشاک بانوان کرد

بانوان این سامان (و پیرامون نزدیکش) دارای دوازده تکه پوشاک اساسی هستند که عبارتند از: شلوار، زیر پیراهن، پیراهن، جلیقه، قبا، دستمال سه‌گوش زینتی، عمامه، شال کمر، روسری و گاهی سرپند که خود شامل چندین تکه است (Ranjdst, 2008, p. 200).

#### - پوشاک مردان کرد

پوشاک مردان این سه خطه از دوازده تکه تشکیل شده است و عبارتند از: عرقچین، کلاه، سرپند، پیراهن، کت (در سه نوع)، پستک، شلوار، جوراب و شال کمر (Ranjdst, 2008, p. 209). جدول زیر اجزای پوشاک زنان و مردان کردستان را قابلیت تبدیل به فرم‌های دوبعدی را دارا هستند، نشان می‌دهد.

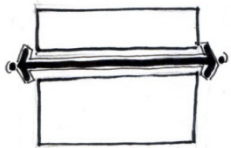
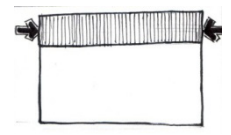
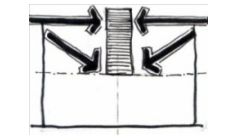
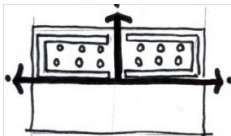
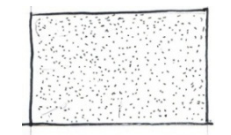
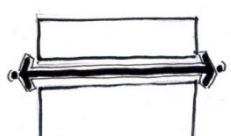
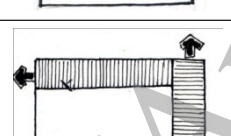

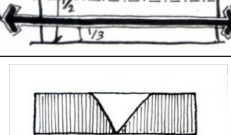
جدول ۱: اجزای لباس مردان و زنان کردستان

پوشاک بانوان	پوشاک مردان
شلوار بانوان کردستان	عرقچین مردان کرد
زیر پیراهن بانوان کردستان	پیراهن مردان کرد
پیراهن بانوان کردستان	سربند مردان کرد
<p>شکل ۱: پیراهن بانوان کردستان (www.plan4land.com)</p> 	<p>شکل ۲: سربند مردان کرد (Irangardan Publication) (CD)</p> 
حلیقه بانوان کردستان	کتهای مردان کرد
شال کمر	شال کمر مردان کرد
<p>شکل ۳: شال کمر زنان کرد (www.photo-aks.com)</p> 	<p>شکل ۴: شال کمر مردان کرد (www.kord4.blogfa)</p> 
دستمال زینتی	شلوار مردان کرد
عمامه بانوان کردستان	جوراب مردان کرد
سربند بانوان کردستان	پستک مردان کرد

## ۱-۱-۲- تجرید انگاره از البسه قوم کرد

پس از بررسی البسه قوم کرد در این قسمت به تجرید انگاره از البسه قوم کرد پرداخته شده است:

جدول ۲: تجرید انگاره از البسه قوم کرد

لباس زنان کرد	مفاهیم درک شده	موضع مورد استفاده	اصول نظم‌دهنده	الگوهای شماتیک استخراج شده
شال کمر زنان	توجه به محور تقارن	نما - پلان	تداوم	
عمامه بانوان کردستان	توجه به محور جداکننده سطح از آسمان	نما	تکرار	
سربند بانوان کردستان	جهت‌گیری به سمت مرکز از نیمه بالای جداره	نما	تمرکز	
جلیقه بانوان کردستان	محور تقارن عمودی در سطح افقی نیمه فوقانی	نما	تقارن	
پیراهن بانوان کردستان	توجه به کلیت محدوده طراحی	نما- پلان	تناسب	
شال کمر مردان	توجه به محور تقارن	نما - پلان	تقارن	
عرفچین مردان سربند مردان کرد	توجه به محور جداکننده از دو جهت	نما- پلان	تکرار	
جوراب مردان کرد	تأکید بر محوری که از یک ششم یک سطح می‌گذرد	نما - پلان	تداوم	
پیراهن	توجه به مرکز جبهه شمالی	نما	تمرکز	

## ۲-۱-۲-۲- بافته‌ها قوم کرد

نقوش فرش و دیگر بافته‌های ایرانی و نگاره‌های تزئینی به کار رفته در آن‌ها و از همه مهم‌تر مفاهیم مستتر در آن‌ها یکی دیگر از ترکیبات شکلی دوبعدی است که می‌توان با کندوکاو در خرده فرهنگ‌های قومیتی ایران اصولی را جهت استفاده در طراحی شهری جستجو کرد. شناسایی نقوش مورد استفاده در بافته‌های اقوام مختلف ایرانی می‌تواند طراح شهر را در ارائه پلان‌ها، کفسازی‌ها، جزئیات نما و غیره یاری رساند. به‌طور کلی این مقاله سعی دارد با بررسی انگاره‌های فرهنگی طرحواره‌های اولیه را در ذهن طراح شهر جهت ایجاد فضاهای عمومی ایجاد نماید. بافته‌ها، قالی و گلیم اقوام مختلف را شامل می‌شود که نمایانگر مفاهیم مرتبط با هر قوم است. در این قسمت نمونه‌ای از بررسی‌های صورت گرفته توسط نگارندگان در ارتباط با تجرید اصول نظم‌دهنده از بافته‌های قوم کرد آورده شده است:

قالی و گلیم کردستان به دلیل قدمت و تنوع یکی از سبک‌های شناخته شده در فرش ایرانی است که حتی شهرت جهانی یافته است و گویای فرهنگ قوم کرد است. هنگامی که در اواخر دهه چهل میلادی سیسیل ادواردز بر قالیبافی زیر نفوذ منطقه سنندج گذر می‌کرد، سبک بافت‌های کردی را به شرح زیر تقسیم‌بندی نموده است:

۱. شهر سنه<sup>۱</sup>

۲. بافت بیجار و ۴۰ روستای اطراف آن

۳. حوزه قبایل نیمه بدوی (عشایری) که در حال حاضر کمتر یافت می‌شود.

تنوع نقوش فرش‌های سنندج و بیجار نمونه‌ای از فرش‌بافی قدرتمند و جذاب را در جهان معرفی کرده است. طرح‌ها و نقش به‌طور عمده از طبیعت و زیبایی‌های آن وام گرفته است. این نقش در مجموع حکایت از روح لطیف و با ذوق مردمانی دارد که همواره در حسرت و رویای آرامش و زندگی، طبیعت زیبایی زیستگاه خویش را به صورت نقوش در دست بافته‌ها و هنرهای بومی خویش بیان کرده‌اند (Soresrafil, 2007, p. 28).

شکل ۶: نمونه‌ای از بافته‌های قوم کرد



(Soresrafil, 2006, p. 47)

شکل ۵: نمونه‌ای از بافته‌های قوم کرد

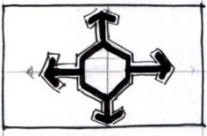

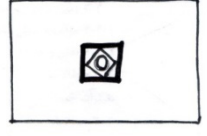
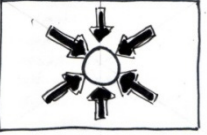


(Soresrafil, 2006, p. 48)

## ۲-۱-۲-۱- تجرید انگاره از بافته‌های قوم کرد

طرح‌ها و نقوش بافته‌های کردی نشان‌دهنده نظم هندسی موجود در این بافته‌هاست. تغییر سلسله مراتبی اشکال هندسی از مستطیل به چند ضلعی از مشخصه دیگر این بافته‌هاست. توجه به حاشیه‌ها و قاب‌بندی اشکال درونی نشان دهنده توجه و تعریف فضای درونی توسط فضای بیرونی است. مرکزگرا بودن، تغییرات بافت و رنگ از بیرونی‌ترین اشکال تا درونی‌ترین آن‌ها حکایت از توجه ویژه به مرکز در این بافته‌هاست. قرارگیری شارپ‌ترین رنگ در وسط بافته نیز حکایت از شکل‌گیری تمامی عناصر بافته جهت تأکید مرکز دارد. استفاده از گل و بوته و دیگر عناصر طبیعی نشان دهنده توجه ویژه قوم کرد به طبیعت دارد. در جدول ۳ مفاهیم درک شده، موضع مورد استفاده، اصول نظم‌دهنده به طراحی و الگوهای شماتیک استخراج شده از بافته‌های قوم کرد آورده شده است.

## جدول ۳: تجرید انگاره از بافته‌های قوم کرد

مفاهیم درک شده بافته‌های کردی	موضوع مورد استفاده	اصول نظم‌دهنده	الگوهای شماتیک استخراج شده
نقوشی که می‌توان از بافته‌ها استخراج و در طراحی به کار بست، نقوشی هندسی و عمدتاً چند ضلعی و کم‌تر منحنی، در زمینه‌ای مستطیل شکل هستند.	پلان-نما-کفسازی	تمرکز	
تعریف کلیات از طریق حاشیه اصلی قالی، تعریف و جزئیات طرح با قاب بندی‌های صورت گرفته توسط اشکال بیرونی‌تر تعریف شده‌است.	پلان-نما-کفسازی	تباين	
توجه به اشکال هندسی‌تر و کم‌تر ارگانیک حاکی نظم موجود در این بافته‌ها دارد و تمایل بافندگان به ایجاد اشکال منظم تا ارگانیک.	پلان-نما-کفسازی	تغییر شکل	
مرکزگرا بودن و توجه ویژه به مرکز	چیدمان پلان-کفسازی	تمرکز	

## ۲-۲- تجرید اصول نظم‌دهنده به طراحی از انگاره ریتم و تناسبات

از جمله مؤلفه‌هایی که باید در فرآیند طراحی شهری در راستای تطبیق آن با انگاره‌های فرهنگی ممارست به عمل آورد ریتم و تناسباتی است که یک قوم با آن خو گرفته‌است. هر قومی در محصولات فرهنگی خود تناسبات و مقیاس‌ها و ریتم‌هایی را به کار می‌گیرد که می‌توان با عملیات تجرید در میان تمامی آن‌ها یک فصل مشترک یافت. موسیقی و رقص از انگاره‌های فرهنگی است که با بررسی آن‌ها می‌توان ریتم و ضرباهنگ مناسب را در الگوهای طراحی فضای شهری برای خرده فرهنگ‌های قومیتی به کار گرفت. از آنجایی که هریک از اقوام با یک نوع موسیقی انس گرفته از نظر روانشناسی با ریتم‌ها و ضرباهنگ‌های موجود در آن موسیقی ارتباط مناسب‌تری برقرار می‌کند. چنانچه طراح شهری بتواند الگوهایی به تناسب ریتم‌های موجود در موسیقی و رقص اقوام استخراج کند، می‌تواند با تعمیم آن ریتم‌ها در طراحی فضاهای شهری، فضای شهری منظم‌تر و معقول‌تری را طراحی نماید. در این قسمت فرآیند تجرید اصول نظم‌دهنده به طراحی از موسیقی و رقص قوم کرد آورده شده‌است.

## ۲-۲-۱- موسیقی قوم کرد

موسیقی کردی در میان مردم کردستان دارای یک پیوند ناگسستنی با زندگی روزمره مردم است. بسیاری از صاحب نظران کرد معتقدند: موسیقی کردی یکی از اصیل‌ترین موسیقی‌های ایرانی است که با گذشت قرن‌ها ویژگی‌های خود را در فولکلور عامه کرد زبان‌های ایرانی حفظ کرده‌است. سازه‌ای رایج در موسیقی کردینی، سورنا، نایه، دهل، تنبک، تنبور و کمانچه است. موسیقی کردی یکی از شاخص‌ترین و تأثیرگذارترین موسیقی‌ها در میان موسیقی ملت‌های مختلف است. برخی از پژوهشگران بر این باورند که پیدایش موسیقی کردی در راستای حفظ زبان، ادبیات، فرهنگ، تاریخ و در مجموع تمدن کردها بوده است. موسیقی کردی یکی از بارزترین ویژگی‌های فرهنگی قوم کرد است. طراوت و شادابی، فضای عرفانی و درآمیختگی مضامین آن با تاریخ گذشته کردها، از خصوصیات مهم آن است که تنگاتنگی خاصی با افکار و باورهای تاریخی، مذهبی و قومی مردم کرد دارند.

موسیقی کردی در دستگاه شور نواخته می‌شود، از این‌رو چنانچه با ریتم این دستگاه آشنا شویم، می‌توانیم از آن‌ها در ایجاد ریتم در فضای شهری کمک بگیریم.

فواصل در دستگاه شور:

فاصله میان درجه اول و درجه دوم: سه ربع ۲ پرده

فاصله میان درجه دوم و درجه سوم: سه ربع ۲ پرده



فاصله میان درجه سوم و درجه چهارم: یک پرده  
فاصله میان درجه چهارم و درجه پنجم: سه ربع پرده  
فاصله میان درجه پنجم و درجه ششم: سه ربع پرده  
فاصله میان درجه ششم و درجه هفتم: یک پرده  
فاصله میان درجه هفتم و درجه هشتم: یک پرده<sup>۲</sup>

شکل ۷: فواصل در دستگاه شور



(Safvat & Karon, 2009, p. 88)

### ۱-۲-۲- تجرید انگاره از موسیقی قوم کرد

بعضی از ترانه‌ها با سکوت شروع می‌شوند و به تدریج اوج می‌گیرند. ریتم در موسیقی کردی رکن اساسی است. پیوستگی در طول قطعه سبب دلنشین شدن این موسیقی خواهد شد. از شعرهای هجایی و ادبیات تکراری بیشتر استفاده شده است. طراوت و شادابی از دیگر خصوصیات موسیقی کردی است.

جدول ۴: تجرید انگاره از موسیقی قوم کرد

مفاهیم درک شده از موسیقی کردی	موضوع مورد استفاده	اصول نظم‌دهنده	الگوهای شماتیک استخراج شده
شروع موسیقی کردی، با ریتمی سنگین و طبیعتاً با حرکتی آرام، آغاز و با سریع شدن ریتم، فرد را به اوج نشاط می‌رساند.	پلان- نما- کفسازی (طراحی نقاط عطف)	تغییر شکل	
ایجاد تغییرات ناگهانی در سکانس‌ها پس از سکانس‌های همسان.	پلان- نما- کفسازی	تباين	
وجود ارتباطات زنجیروار	در جزئیات فضای شهری، چیدمان پلان، نماهای فضاهای شهری.	ریتم	
تناسبات موجود در ریتم‌های موسیقی کردی (پس از هر دو نت هماهنگ اولی نوعی نت مخالف نواخته شده و دوباره نت های هماهنگ دوبار تکرار شده و نت مخالف با دو بار تکرار ریتم را به حالت اوج خود می‌رساند).	چیدمان پلان- کفسازی- جزئیات نما	تناسب	

## ۲-۲-۲- حرکات موزون قوم کرد

حرکات موزون کردی، حرکات گروهی و شامل چند نوع است. در تمامی این حرکات، گروه که به صورت حلقه‌ای دور هم گرد آمده‌اند، از چپ به راست حول نقطه‌ای می‌شوند. در این حرکات یک نفر راهنما می‌شود و با چرخاندن دستمال و آغاز حرکات، آن را به بقیه منتقل می‌کند که به این فرد راهنما، «سرچوپی کش» گفته می‌شود. در صف هر کس با دست چپ، دست راست نفر بعد را می‌گیرد که اصطلاحاً این حالت را «گاوانی» می‌نامند. گاهی گاوانی به معنی انتهای صف نیز می‌آید (Template.persianblog.ir).

شکل ۸ و ۹: حرکات موزون کردی



(www.faro.ir.com)




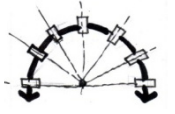


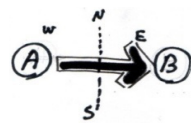
(www.hefyan.com)

شیوه گرفتن دست همدیگر توسط افراد گروه بستگی به نوع حرکات دارد. حرکات محلی و بومی این قوم هم از نظر مضمون و هم از نظر شکل در خور توجه ویژه است. در برخی حرکات، مانند «گه‌ریان» که حرکات موزون بسیار سریعی است، یکی از افراد روبه‌روی صف می‌ایستد و با دو دستمال بلند در دست به حرکات موزون ادامه می‌دهد که به این حالت «دودستماله» می‌گویند. دیلان حرکات گروهی است که یک در میان پسر و دختر دست همدیگر را می‌گیرند. در حرکات موزون کردی می‌توان به تشابهاتی چون وجود شکل هندسی دایره که نمایانگر حلقه ذکر دراویش، حلقه حرکات موزون در مراسم شادی و حلقه‌های عزاداری در مراسم و غیره اشاره کرد (Template.persianblog.ir).

## ۲-۲-۲-۱- تجرید انگاره از حرکات موزون قوم کرد

هماهنگی بسیار بین گروه از ویژگی‌های اصلی حرکات موزون کردی است. هماهنگی با عنصر مرکزی از دیگر ویژگی‌های آن است. تکرار و تداوم در یک محور نیز از نکات قابل توجه در این انگاره است.

جدول ۵: تجرید انگاره از حرکات موزون قوم کرد

مفاهیم درک شده از حرکات موزون کردی	موضع مورد استفاده	اصول نظم‌دهنده	الگوهای شماتیک استخراج شده
هماهنگی بسیار حرکات	هماهنگی در بین عناصر موجود در فضاهای شهری، کفسازی فضاهای شهری و هماهنگی جداره‌ها	ریتم	
حرکات موزون بدن روی مسیر دایره و نیم دایره	پلان - نما - کفسازی	تمرکز و تداوم	
قرار دادن دو عنصر متضاد ولی هماهنگ (مانند قراگیری زنان و مردان در حرکات موزون دیلان).	افزایش جذابیت در تمامی ارکان فضای شهری	تغییر شکل	
قراگیری یک عنصر در وسط و شکل‌گیری دیگر عناصر در اطراف	چیدمان پلان - کفسازی - جزئیات نما	تمرکز	
حرکت افراد از چپ به راست در حرکات موزون کردی	قرار دادن ورودی فضای شهری در قسمت چپ	تداوم	

### ۳-۲- تجرید اصول نظم‌دهنده به طراحی از انگاره رنگ

بحث رنگ در فضاهای شهری از مسائل کلیدی است. به گونه‌ای که با حذف رنگ از فضاهای شهری به نوعی حالات و رفتارهای متفاوت افراد از صحنه‌ای به نام شهر حذف خواهد شد. پس با توجه به هدف این پژوهش که تبدیل فضاها به مکان‌های شهری و کشاندن افراد به آن از طریق مؤلفه‌های فرهنگی است، رنگ نقش اساسی ایفا می‌کند. هنگامی که درباره هارمونی رنگ‌ها صحبت می‌شود، معمولاً قضاوت روی اثر و عملکرد متقابل دو یا تعداد بیشتری رنگ به عمل می‌آید. هر قومی بسته به موقعیت جغرافیایی و حس و شور درونی احساسات رنگی متفاوتی را ارائه می‌دهد. چنانچه طراح شهر با احساسات مصرف‌کننده خود بیشتر آشنا باشد، می‌تواند طرحی متناسب با احساس هر یک از این اقوام ارائه دهد. رنگ را می‌توان از البسه و همچنین بافته‌های هر قوم استخراج نمود. لذا در این قسمت با بررسی این دو عامل به معرفی رنگ‌های مورد استفاده در اقوام مختلف پرداخته می‌شود.

#### ۱-۳-۲- تجرید انگاره رنگ در قوم کرد

با توجه به اقلیم سرد و کوهستانی حاکم بر کردستان در اکثر مناطق کردنشین غرب کشور رنگ‌های سرد بر طبیعت غلبه دارند. از این رو ساکنان این قوم تمایل بیشتری به رنگ‌های گرم از خود نشان می‌دهند. از طرفی دیگر شور و هیجان و احساس با هم بودن و در جمع بودن همان‌طور که در بررسی موسیقی و لباس و فرش آن‌ها ملاحظه شد، از مشخصه‌های قوم کرد است. لذا این نوع استفاده از رنگ‌های گرم به نوعی پاسخ‌گویی به طبیعت درونی و ذهنی و بیرونی و عینی قوم کرد می‌باشد. رنگ‌های مورد علاقه قوم کرد عبارتند از: لاک، آبی سیر، قهوه‌ای، عنابی، و سایر رنگ‌های هم‌ساز با رنگ‌های گرم.

## نتیجه‌گیری

پس از بررسی انگاره‌های فرهنگی تأثیرگذار بر بعد کالبدی در قوم کرد، چارچوب طراحی شهری شامل راهنما و اصول مورد استفاده در طراحی فضاهای عمومی مبتنی بر خرده فرهنگ‌های قومیتی قوم کرد استخراج شده است. در نتایج این مطالعات سهم هر یک از اصول نظم‌دهنده به طراحی بر اساس انگاره‌های فرهنگی استخراج شده است و در نهایت سه اصل نخست قابل استفاده در طراحی تعیین شده است. در بحث انگاره رنگ که دارای ماهیتی متفاوت با دیگر انگاره‌ها بوده است. گروه رنگی و همچنین رنگ‌های مورد علاقه قوم کرد جهت تعمیم در طراحی فضاهای شهری قوم کرد تجرید شده است. در ادامه نیز نمونه‌هایی از طراحی فضاهای شهری مطلوب برای قوم کرد آورده شده است. جدول زیر نتایج این تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول ۶: نتیجه‌گیری از فرآیند تجرید انگاره‌های فرهنگی

اصول و ضوابط خاص طراحی								انگاره فرهنگی	قوم	
تغییر شکل	تناسب	تباين	ریتم	تداوم	تمرکز	تکرار	تقارن			
	۱			۲	۲	۲	۲	البسه	کرد	
۱		۱			۲			بافته‌ها		
۱	۱	۱	۱					موسیقی		
۱			۱	۲	۲			حرکات موزون		
۳	۲	۲	۲	۴	۶	۳	۲	جمع		
رنگ‌ها	گروه رنگی		سه اصل نخست طراحی	سهم هر یک از اصول در طراحی						
لاکی، آبی، سیر، قهوه، ای، عنابی، و سایر رنگ‌های هم‌ساز با رنگ‌های گرم.	گرم		تمرکز تداوم تغییر شکل							

## پی‌نوشت

۱. منظور شهر سنج کنونی است.
۲. مدلی در شکل‌دهی فواصل در موسیقی ایران که فواصل بر حسب آن بیان می‌شود. یعنی وقتی می‌گوییم ۳، منظور سه ربع پرده است.
۳. جهت اطلاعات تکمیلی: ر.ک. صفوت، داریوش و کاژن، نیلی (۱۳۸۸)، موسیقی ملی ایران، ترجمه سوسن تسلیم زاده، کتاب‌سرای نیک تهران.

## References

- Arbabzadegan, A. (2011). Design of Urban Public Spaces Based on Ethnic Sub- culture: Case Study: Region 22 of Tehran (Urban Design Master's Thesis), Tehran: Urban Design and Architecture Faculty of Art, Tarbiat Modares University.
- Assori, D. (1999), *Definition and Concepts of Culture*, Tehran: Agah Publication, 2Ed.
- Bahreyni, S.H. (1998). *Urban Design Process*. Tehran: Tehran University publication.
- Carmona, M., Heath, T., Oc, T., & Tiesdell, S. (2006). *Public Places, Urban Spaces*. Oxford, Architectural Press, Elsevier.
- Feraante, J. (1995). *Sociality*. Belmont, Wadsworth Publishers Company, 2Ed.
- Golkar, K. (2000). Constrictive Element of Urban Designing Quality. *Quarterly Journal Research Sofeh*, 32, 38-265.
- Grutter, J.K. (1987). *Aesthetics of Architecture: Basics of Architectural Perception (J. Pakzad, A. Hodayun, Trans.)*. Tehran: Shahid Beheshti University publication, 2 Ed.
- Kumar, S., Martin G. (2004). A Case for Culturally Responsive Urban Design. *The Ontario Planning Journal*, 19, 5-7.
- Lefebvre, H. (2009) *State, Space, World*. London: University of Minnesota Press.
- Pakzad, J. (2006). *Literature Review and Process of Urban Design*, Tehran: Shahidi Publication, Secretariat of the Urban Planning and Architecture Higher Council of Iran.
- Ranjdost, SH. (2008). *Clothing History of Iran*, Tehran: Jamal Honar Publication.
- Ranjbar, M., Sotoudeh, H. (1997). *Anthropology Emphasized on Culture of Iran's People*. Tehran: Nedaye- Ariana publication.
- Safvat, D., Karon, N. (2009). *National Iranian Music (S. Salimzadeh, Trans.)*, Tehran: Nik Ketabsara Publication.
- Sarafraz, H. (2007). *In Definition of Iranian Culture*, Tehran: Agah Publication.
- Soresrafiul, Sh. (2007). *Kurdish Carpet 1 (Kurdistan)*, Iranian History Publication.
- Sternberg, E. (2000). An Integrative Theory of Urban Design. *Journal of the American Planning Association*, 66(3), 265-278.
- Tylor, E.B. (1991). *Dictionary of Anthropology*. Delhi, Jawaha Nagar.
- Vaziri, A. (2008). *Theory of Music*. (Dorodi, S., Ed.). Tehran: Safi-Alishah publication, 4Ed.